



## Thematic Analysis of Knowing Tyrant based on the Qur'an and Sahifah Sajjadiyyah

Seyyede Zahra Hosseini Razmgah<sup>1</sup>

Bibi Hakime Hosseini Hekmat<sup>2\*</sup>

### Abstract

The Supervision of God and tyrant have a mutual and opposite relationship, and man is placed under the Supervision of tyrant as much as he moves away from the Supervision of God. That is, the filling of man's existential capacity from the Supervision of tyrant does not leave room for the Supervision of Allah, and his being filled with the Supervision of Allah closes the way for the entry of tyrant on him. In order to understand this concept, the themes of the Sahifah Sajjadiyyah as a narrative document of the innocent are important in explaining this debate. Therefore, this research, using the method of thematic analysis, has extracted the interpretive themes of the Sahifah Sajjadiyeh book about the different dimensions of tyrant, including factors, examples, and results. Based on the analysis of the obtained themes, the factors of accepting guardianship of tyrant were obtained, including the belief, performance and deception of the tyrant. Accepting the intellectual foundations and obeying the tyrant are obvious examples of it, and there are many worldly and afterlife effects such as double punishment, departure from guidance and divine light.

### Keywords

Knowing Tyrant, Thematic Analysis, Accepting Guardianship, Qur'an, Sahifah Sajjadiyyah.

### Article type: Research

1. PhD Student of comparative exegesis of the Holy Quran University of Sciences and Education, Qom Faculty. Email: 402111612003@quran.ac.ir

2. Responsible Author, Assistant Professor of Holy Qur'an Sciences and Education University, Mashhad Faculty. Email: dolatabad@quran.ac.ir

Received on: 19/02/2024 Accepted on: 08/10/2024

Copyright © 2024, Hosseini Razmgah & Hosseini Hekmat





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵  
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

# مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.19878.2340

## تحلیل مضمون طاغوت‌شناسی بر اساس قرآن و صحیفه سجادیه

سیده زهرا حسینی رزمگاه<sup>۱</sup>

بی‌بی حکیمه حسینی حکمت<sup>۲</sup>

### چکیده

ولایت خدا و طاغوت رابطه ای متقابل و متضاد دارند و انسان به همان اندازه‌ای که از ولایت خدا دور می‌شود، تحت ولایت طاغوت قرار می‌گیرد. یعنی پر شدن ظرف و حقیقت انسان از ولایت طاغوت جایی برای ولایت الله باقی نمی‌گذارد و مملو شدن او از ولایت الله راه ورود طاغوت بر او را می‌بندد. در خور شناخت این مفهوم، مضامین صحیفه سجادیه به عنوان سند روایی از معصوم در تبیین این بحث حائز اهمیت است. لذا این پژوهش با روش تحلیل مضمون به استخراج مضامین تفسیری صحیفه سجادیه حول ابعاد مختلف طاغوت، شامل عوامل، مصادیق و آثار پرداخته است. براساس تحلیل مضامین بدست آمده، عوامل ولایت پذیری از طاغوت شامل باورمندی، عملکرد و فریب طاغوت به دست آمد. پذیرش مبانی فکری و اطاعت از طاغوت از مصادیق بارز آن است و آثار دنیوی و اخروی فراوانی چون عذاب مضاعف، خروج از هدایت و نور الهی را به دنبال دارد.

### کلیدواژه‌ها

طاغوت‌شناسی، تحلیل مضمون، ولایت‌پذیری، صحیفه سجادیه، قرآن.

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده قم.

quran.ac.ir@۴۰۲۱۱۱۶۱۲۰۰۳

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده مشهد (نویسنده مسئول). dolatabad@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## ۱. طرح مسأله

ولایت‌پذیری مانند سکه‌ای دو رو دارای دو وجه است که هر دو وجه، لازمه کمال آن است. حب و بغض دو روی این سکه‌اند. همچنان که بر ولایت‌مدار لازم است به ولایت الهی بپیوندد، واجب است که از ولایت طاغوت بیزاری جوید. خداوند در قرآن کریم انسان‌ها را به پذیرش ولایت خود و اجتناب از اولیاء طاغوت فرامی‌خواند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ...» (النحل: ۳۶) «در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت.» محتوای همسان قرآن و صحیفه سجادیه در بررسی رابطه آن دو حول مفاهیم مختلف مهم است. صحیفه سجادیه توحیدگراست، همان‌طور که بیشترین تأکیدات قرآن مفهوم توحید است و در بخش‌های مختلف آن تبیین توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی مشاهده می‌شود (ر.ک. مدنی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۰-۱۲۰).

امام سجاد (ع) حقیقت تبری و تولایی ولایت را اینچنین بیان می‌کنند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي حَيْرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلايَتِكَ» (خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سرپرستی مرا، درباره همسایگان و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما در مخالفت و ستیزند، به برترین سرپرستی‌ات به عهده گیر).

به همین دلیل در مضامین قرآن و صحیفه سجادیه، شناخت جریان متضاد با ولایت الهی که همان ولایت طاغوت است از اهمیت برخوردار است و لازم است که موانع و مصادیق و آثار آن مورد بررسی قرار گیرد تا انسان بتواند با تلاش در رفع و جلوگیری از ورود به آن‌ها، به حقیقت ولایت الهی دست یابد.

ارتباط صحیفه سجادیه با قرآن در محورهای گوناگون قابل بررسی است؛ مانند: تضمین‌ها و تلمیح‌های قرآنی، استنادات صحیفه به قرآن، تفسیر و شواهد قرآنی در صحیفه، که این پژوهش به ارتباط مضمونی این دو پرداخته است. ارتباطی که فارغ از لفظ، میان دو متن قرآن و صحیفه، محسوس است و با الهام از آیات قرآن به زبان دیگری بیان شده است (ستوده‌نیا، محققیان، ۱۳۹۵ش، ۲۵).

با توجه به پیشینه بحث ولایت‌پذیری از طاغوت، پژوهشی که این مسئله را با روش تحلیل مضمون و روی متن صحیفه سجادیه به مثابه یک تفسیر نخستین تبیین کند یافت نشد؛ اما آثاری که پیرامون ابعاد مختلف این بحث سامان یافته است شامل: تحلیل

محتوای کیفی آیات قرآن در رابطه با طاغوت و استلزامات تربیتی آن، سرلک، علی؛ عسگری، زهرا؛ مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۱۴۰۰ ش - شماره ۸۸؛ رجوع به طاغوت در منابع تفسیری و روایی و گستره آن، حایری، محمود؛ میرخلیلی، سیداحمد؛ صحرائی اردکانی، محمد؛ مجله کتاب قیم، ۱۳۹۸ ش - شماره ۲۰؛ شناخت طاغوت و مستضعف، امامی، ابوالقاسم؛ مجله درس‌هایی از مکتب اسلام» ۱۳۵۸ ش، سال نوزدهم - شماره ۱۰؛ المعارف القرآنیة: موجز حول: کلمات مشکلة فی القرآن الکریم (۲): کلمة الطاغوت، مجله: النافذة» ذوالحجة ۱۴۲۵؛ مجتبیات من الصحف و الکتب: أولیاء الله و أولیاء الشیطان و الطاغوت، مجله: الشهاب» غرة ذی الحجة ۱۳۵۲.

می‌توان گفت نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های مذکور، در روش تحلیل آن است. روش تحلیل مضمون، روشی است کل‌نگر که می‌توان آن را در مورد دعاها، خطبه‌ها، کتابها و متون مختلف به‌کار بست و از نتایج متفاوت و دقیق آن در پژوهش بهره برد؛ چنانکه گفته شده است: حسن پژوهش‌های روش‌مندی مثل تحلیل مضمون در این است که اولاً همه فرازهای متن مورد مذاقه قرار می‌گیرد و احتمال از دست رفتن نکات مرتبط بسیار پایین است، ثانیاً سیر رسیدن به یافته‌ها به صورت استدلالی است و فرآیند نتیجه‌گیری برای مخاطب روشن است (مصطفائی، ۱۴۰۲ ش، ۱۸۸).

## ۲. روش پژوهش؛ تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد و در واقع اولین روش در پژوهش‌های کیفی است. لذا آن را یکی از مهارت‌ها و ابزارهای عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی می‌شمارند (Boyatzis, 1998, 4). تحلیل مضمون، روشی است برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و داده‌های متنی و متنوع و پراکنده را به داده‌های تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند (Ryan, G. W. & Bernard, 2000, 802). عنصر کلیدی در این روش مضمون یا them است و پرارزش‌ترین واحدهای تحلیل محتوا هستند و منظور از آن معنای خاص مستفاد شده از یک کلمه، جمله یا پاراگراف است. گاهی یک جمله ممکن است دارای چند مضمون باشد و یا چند پاراگراف تنها یک مضمون داشته باشد. مضمون، ویژگی تکراری و متمایزکننده‌ای در متن است و حاوی اطلاعات مهمی درباره موضوع و سؤالات تحقیق ارائه می‌دهد. شناخت مضمون مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش تحقیق کیفی و قلب تحلیل مضمون است (عابدی‌جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ ش، ۱۵۴).

در مورد تعداد داده‌های مناسب که دلالت بر وجود مضمون کند پاسخی روشن و صریح وجود ندارد و این امر وابسته به معیارهای کمی نیست، بلکه مهم این است که چقدر به نکته مهم در مورد سوالات تحقیق می‌پردازد. مضمون مبین تکرار است و مسئله‌ای که فقط یک‌بار در داده‌ها تکرار شده باشد مضمون نامیده نمی‌شود (Braun, 2006, 77). مگر این‌که نقش اساسی و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داشته باشد. (King & Clark). (Horrocks, 2010, 150). لذا باید در دو یا چند متن مشاهده شود. همچنین بین مضامین باید مرز مشخص و تمایزکننده آن‌ها از هم وجود داشته باشد (Boyatzis, 1998, 4). با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت با تحلیل آن‌ها مفاهیم کلیدی استخراج، و مدل تبیین می‌گردد.

در این پژوهش، بنابر مراحل تحلیل مضمون (Boyatzis, 199, 4) همه داده‌های دال بر ولایت‌پذیری از آیات قرآن و عبارات صحیفه سجادیه (۷۲ داده) جمع‌آوری شدند. برای این امر علاوه بر لفظ و مشتقات ولی، سایر مؤلفه‌های معنایی ولایت شامل اطاعت، تبعیت، قرب و حب بررسی شدند و به مفهوم عبارات و فرازها توجه شد. کدها و شناسه‌های اولیه (۱۲۰ مضمون) آن‌ها استخراج شد. در مرحله بعد، کدهای حاصل از تمامی داده‌ها تلفیق و ترکیب و در قالب مضامین پایه (۴۳ مضمون) مرتب شدند و پس از پالایش آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده (۳۰ مضمون) و فراگیر (۷ مضمون) تشکیل شدند. در این مرحله داده‌ها براساس شبکه‌ی مضامین تعریف و تحلیل شدند.

### ۳. مفهوم ولایت‌پذیری و طاغوت

برای مفهوم ولایت در علوم مختلفی چون کلام، عرفان، تفسیر و ... معانی متعددی ذکر شده است. اکثر لغویون آن را به معنای نزدیکی و قرابت بدون فاصله که سبب پیوستگی دو چیز است مطرح کرده‌اند (فیومی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۶۷۲؛ قرشی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۲۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۴: ۴۹۴) و نیز اکثر مفسران آن را به معنای محبت و دوستی دانسته‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۴). سیاست کردن، سلطنت، سرپرستی (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۶: ۲۵۲۸)، عهده‌دار و اداره‌کننده امور، تدبیر و امر و نهی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۱۲۵: ۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۴۰۴) و نیز هر کسی را که شخص عبادت کند به معنای ولی است (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ۱۰: ۴۵۷-۴۵۹). مولا را به مالک، کارگردان، مدبر و سزاوارتر نسبت به شما نیز تفسیر کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۲۴۵).

همچنین ولایت به معنای نصرت آمده است (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ۴: ۱۸۹) که دو طرف به دلیل پیوند و پیمان همکاری، یکدیگر را یاری می‌کنند و از آن تعبیر به «ولاء» می‌شود لذا خداوند از برقراری این رابطه با غیر مومنان نهی می‌کند. مهمترین ویژگی در بررسی معنای ولایت در آیه (المائد: ۵۱) مشاهده می‌شود. لذا تولی (ولایت‌پذیری) نسبت به هر ولی انسان را از اولیاء او می‌کند و این امر تا جایی ادامه می‌یابد که در ضمن این رابطه هر دو طرف یکی می‌شوند. خداوند در آیه (البقره: ۲۵۷) از اتخاذ ولایت طاغوت نهی می‌کند چرا که اولیاء طاغوت انسان را به اعماق ظلمت می‌کشاند.

ولایت، حقیقتی دوسویه است که از جانب پروردگار عالم و انتشار فیض و تجلی مولویت او و از جانب انسان قرب و دنوبه ولی حقیقی و ساحت ربوبی مطرح است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸ش، ۱). وجه دوم که متضمن پذیرش ولایت خداوند از سوی انسان است، به ولایت‌پذیری تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۱: ۸۹).  
با توجه به آموزه‌های اسلامی مفهوم ولایت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و اطاعت همراه با معرفت و محبت نسبت به ولی است. طاغوت نیز به معنای طغیان و تعدی از حد و مرزهاست. بنابراین هر مسیر و معبودی که به غیر خدا منتهی شود مصداق طاغوت است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۱۵۵).

#### ۴. عوامل ولایت‌پذیری از طاغوت

همان‌طور که شناخت عوامل ولایت‌پذیری خداوند جهت ورود به ساحت ولایت الهی لازم است، عواملی که انسان را از آن خارج می‌کند و به ورطه و وادی طاغوت داخل می‌کند حائز اهمیت است. برای شناخت جریان ولایت طاغوت ابتدا لازم است اسباب، علل، لوازم و بطور کلی عوامل پذیرش ولایت طاغوت تبیین شود. این عوامل شامل سه مضمون فراگیر باورمندی و معرفت، عمل‌گرایی و فریب طاغوت است که براساس روش تحلیل مضمون از آیات قرآن و عبارت‌های صحیفه سجادیه استخراج شده است.

شکل ۱: درختواره عوامل ولایت‌پذیری از طاغوت



#### ۴-۱. باورمندی

باورها، اصول، دیدگاه‌ها و در نتیجه علم و معرفت شخص اهمیت بسیاری در انتخاب ولی و سرپرست دارد و مقدمه عملکرد آنان است. اندیشه انسان نقش مؤثری در ولایت‌مداری او دارد تا جایی که اگر انسان عمل را به ظاهر انجام دهد و یا به گونه‌ای تظاهر کند که ولایت‌مدار خداست، به هر حال اندیشه و نفاق او ظاهر می‌شود و کفر درونی‌اش را هویدا می‌کند حتی اگر بسیار عبادت خدا را انجام داده باشد. مانند شیطان که با وجود عبادت شش‌هزارساله به دلیل کفر و عناد و لجاجت که از ابتدا در وجودش پنهان بود در مرحله عمل و امتحان ولی مطلق مردود شد و با استکبار و گردن‌کشی از ولایت الهی خارج و طرد شد. همچنین منافقین صدر اسلام که به دلیل اندیشه و معرفت و باور مسموم، عبادت‌هایشان را از بین برده و با تبعیت نکردن از خداوند، تحت ولایت طاغوت

قرار گرفتند. مضامین بی‌ایمانی، بی‌بصیرتی، استمرار جهل، رضایت به فعل طاغوت، سوءظن به خدا، روی‌گردانی و نومی‌دی از خدا و ضعف نفس مضامین سازمان‌دهنده این مضمون هستند که به تبیین هریک پرداخته می‌شود.

### جدول داده‌های مضمون فراگیر «باورمندی و معرفت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه های شناسایی شده	مأخذ	داده
باورمندی و معرفت	بی‌ایمانی	بی‌ایمانی به خدا  بی‌ایمانی به رسول	بی‌ایمانی به خدا، بی‌ایمانی به رسول، دوستی و ولایت شیطان	المائده ۸۱  الاعراف ۲۷	۱. وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ۲. إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
باورمندی و معرفت	استمرار جهل	فهم و درک اندک	نادانی، درک نکردن سستی ولایت طاغوت و بی‌پایه و اساس بودن آن	العنکبوت ۴۱	۳. مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ ... لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
باورمندی و معرفت	بی‌بصیرتی	نشیندن و ندیدن پیام های حق (درک نکردن)	ناتوانی در شنیدن ۲، استمرار در ندیدن ۳	هود ۲۰	۴. وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ... مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَ مَا كَانُوا يَبْصُرُونَ



باورمندی و معرفت	رضایت به فعل طاغوت	رضایت قلبی مقدمه پیروی کردن	تبعیت و مشایعت ظلم کنندگان به اهل بیت، رضایت به فعل دشمنان اهل بیت	دعای ۴۸ فراز ۱۰	۵. اللَّهُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَآسِيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعَهُمْ
باورمندی و معرفت	روی گردانی و نومیادی از خدا	روی گردانی و غرور و ناامیدی	روی گردانی از ولایت و سلطنت خدا، ناامیدی از خدا، غرور نسبت به خدا	دعای ۴۶	۶. سُلْطَانِكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنكَ، وَالْحَبِيبَةُ الْخَائِذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ
باورمندی و معرفت	ضعف نفس	ناتوانی در پیشی گرفت و همراهی با اولیاء	ضعف نفس در همراهی با اولیاء و پیشی گرفتن از آن ها، همراهی با آنچه خدا بر حذر داشته، وسوسه نفس، کثرت هموم	دعای ۵۱	۷. إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعُفَ نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ

از مهمترین عوامل معرفتی گزینش ولایت طاغوت عدم ایمان قلبی است که سبب تزلزل انسان در ولایت پذیری خدا می شود. وقتی پایه ایمان سست شد هر چیز دیگری را ممکن است به عنوان ولی اتخاذ کند و از مسیر ولایت الهی خارج و فاسق شود (طبرسی، ۱۳۷۴ش، ۳: ۳۵۹؛ قرآنتی، ۱۳۷۴ش، ۲: ۳۵۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۶۶۹، طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۶: ۱۱۴). «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ...» (المائده: ۸۱) «و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی کردند».

یکی از موارد معرفتی ولایت طاغوت، کمبود بصیرت و ناتوانی اولیاء طاغوت در درک اندازها و بشارت‌هایی است که از ناحیه خداوند برای آن‌ها می‌آید و موجبات خروج از ولایت خداوند و استحقاق عذاب الهی را برایشان فراهم می‌سازد: «... ما کأَنُوا یَسْتَطِیْعُونَ السَّمْعَ وَ ما کأَنُوا یُبْصِرُونَ» (هود: ۲۰) «... آن‌ها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی‌دیدند».

جهل، از دیگر زمینه‌های گزینش ولایت طاغوت است که استمرار در آن انسان را از ولایت الهی دور می‌کند و مولی علیه شیطان می‌گرداند. جهل به معنای ندانستن است (جوهری، ۱۳۷۶ ش، ۴: ۱۶۶۳). جهالت نیز به معنای انجام دادن ناآگاهانه یک عمل است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۳۵۳). کسانی که ولایت غیر خدا را اتخاذ می‌کنند به عنکبوتی مانند شده‌اند که سست‌ترین خانه‌ها را انتخاب می‌کنند (العنکبوت: ۴۱). خانه صاحبش را حفظ می‌کند اما ولایت غیر خدا تنها اسمی از خانه است و هیچ حفاظتی برای اولیاء خود ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۶: ۱۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۸: ۴۴؛ قرآنی، ۱۳۷۴ ش، ۷: ۱۴۸).

رضایت در هر امری حاکی از تایید آن فعل است و کسی که رضایت به فعلی داشته باشد همانند عامل آن است. امام سجاد (ع) چنین کسانی را لعنت می‌کند. همچنین پیروان و تبعیت‌کنندگان آن‌ها نیز مشمول این لعن واقع می‌شوند؛ چراکه کسانی که پیرو و تابع هستند این سیر را ادامه می‌دهند و سبب امتداد این جریان می‌شوند. «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأُولَیْنِ وَ الْأَخْرِیْنِ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشِیَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ» (دعای ۴۸، بند ۱۰) «خدایا! دشمنان‌شان را از اولین و آخرین و هر که به کردارشان راضی شد و طرفداران و پیروانشان را لعنت کن».

امام سجاد (ع) پس از بیان سلطنت مطلق و لایزال الهی، کسی که از آن روی‌گردان باشد را در حسرت دائم دانسته و حالات منفی ناامیدی از خدا، خذلان و خوار شدن، تیره‌بختی به موجب گردن‌کشی در برابر خداوند را از لوازم آن برشمرده است که همگی نشانه‌های ولایت طاغوت هستند. به تعبیر دیگر، فردی که از خداوند روی‌گردان شود از ولایت او خارج شده و خود را در ولایت طاغوت قرار داده است: «سُلْطَانُكَ تَابِتٌ لَا یَزُولُ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنكَ، وَ الْخَبِيَّةُ الْحَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَ الشَّقَاءُ الْأَشَقَى لِمَنْ اغْتَرَبَ بِكَ» (دعای ۴۶، بند ۱۰) «پس وای بر آن که از تو روی برتابد، و نومیدی دلت بار از آن کسی است که از تو نومید گشته، بدترین تیره‌بختی‌ها برای کسی است که به تو مغرور شده».

یکی از اهداف تربیت همه انبیا و اولیا، نجات انسان‌ها از ضعف و بردگی فکری بوده است؛ به گونه‌ای که در ناملازمات پایداری و مقاومت داشته باشند. چراکه انسان ضعیف مانند شاخه باریک و نازک ناتوان است و مؤمن از ذلت نفس بری است (حرعاملی، ۱۳۸۴ ش، ۱۱: ۴۲۴)، «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (المنافقون: ۸).

از عوامل مهمی که امام (ع) آن را سبب کنندی انسان در پیشی گرفتن نسبت به نیکی‌ها و دوری از منہیات الهی معرفی می‌کند، ضعف نفس انسان است. ایشان اندوه زیاد و وسوسه نفس را نیز عامل ضعف آن دانسته‌اند: «أَشْكَوْا إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَهُ...» (دعای ۵۱، بند ۱۰) «خداوندا از ضعف نفسم که نمی‌توانم در آنچه دوستانت را وعده داده‌ای پیشی گیرم».

فسق به معنای خروج از مدار الهی است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۴: ۱۵۴۳؛ قرشی، ۱۳۷۲ ش، ۵: ۱۷۶). وقتی انسان از اطاعت الهی سرپیچی کند از دایره ولایت الهی خارج می‌شود و زمینه اطاعت و ولایت طاغوت را فراهم می‌کند (طبری، ۱۴۲۰ق، ۲۵: ۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۲۱: ۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۴ق، ۵: ۸۰۱) «فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (الزخرف: ۵۴) «(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند»، «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (المائدة: ۸۱) «و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی‌کردند؛ ولی بسیاری از آن‌ها فاسقند». علت ولایت‌پذیری طاغوت و تعارض فسق و ایمان و ولایت الهی را بیان می‌کند. انسانی که تحت سلطه طاغوت سازش‌کار باشد را فاسق می‌داند (طبری، ۱۴۲۰ق، ۷: ۲؛ قرآنی، ۱۳۷۴ ش، ۲: ۳۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۵: ۴۶).

از مهم‌ترین عوامل پذیرش ولایت طاغوت مخالفت با اوامر پیامبر بعد از روشن شدن راه هدایت است (النساء: ۱۱۵). اطاعت، فرد مطیع را در ولایت مطاع قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۵: ۱۳۳) به این معنا که این افراد را تحت سرپرستی همان معبودهای ساختگی خود قرار می‌دهد. خداوند نعمت‌هایش را از مخالفین قطع نمی‌کند بلکه افراد را در همان راهی که خودشان برگزیدند قرار می‌دهد (النساء: ۸۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۱۴۲؛ قرآنی، ۱۳۷۴ ش، ۲: ۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۶: ۵۱). امام سجاد (ع) این سرپیچی و مخالفت با رسول و اهل بیت را عامل غضب مقام آنان بیان می‌کند (دعای ۴۸، بند ۹).

انسان در ارتباط و دوستی با دیگران از یاری و بنابراین آثار ولایت بین افراد بهره‌مند می‌شود. پذیرش ولایت کفار از مراتب ولایت طاغوت است که انسان را در جریان کشش به سمت خود از ولایت الهی دور می‌کند (الشوری: ۹؛ آل عمران: ۲۸؛ محمد: ۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۸: ۲۳۱). انتخاب اولیای کفار سبب امتزاج روحی و رام شدن در برابر خواسته‌ها و تأثیرپذیری از اخلاق و شئون حیاتی آن‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۳: ۲۳۷؛ المائدة: ۵۱).

ارکان نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی سبب بی‌اعتنایی و استکبار طاغوتیان نسبت به داعی خداوند می‌شود و در نتیجه عاملی است برای ولایت‌پذیری طاغوت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۲: ۳۶۴؛ قرائتی، ۱۳۷۴ش، ۹: ۲۶۰) مصاحبت و اعتماد فرعون به رکن و جنودش سبب روی‌گرداندن او از موسی و خروج از ولایت‌پذیری خداوند بیان شده است (الذاریات: ۳۹) (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۸: ۵۷۰؛ طبرسی، ۱۳۷۴ش، ۹: ۲۴۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۲: ۱۶۴).

فرعون با اتکاء به قدرت لشکر، ثروت سابق و تبلیغات به مبارزه و سرباز زدن از دعوت رسول پرداخت (قرائتی، ۱۳۷۴ش، ۹: ۲۶۰).

امام سجاد (ع) اشتغال به دنیا و هموم آن را عامل بازماندن از انجام فرایض الهی معرفی کند. «وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْأَهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ» (دعای ۷، بند ۹) «و مرا به سبب پریشانی دل از رعایت واجبات و متابعت سنت باز مدار.» (الاعراف: ۱۷۵).

#### ۲-۴. عملکرد

بعد از تبیین باورها و عوامل ورود به ولایت طاغوت بحث عملکرد که نتیجه آن بینش است مطرح می‌شود. عملکردی که علت ولایت‌پذیری طاغوت و مانع ولایت‌مداری خداست، شامل مضامین سازمان‌دهنده فسق، مخالفت و سرپیچی از پیامبر، موعظه‌ناپذیری، دوستی با کافران، اشتغال به دنیا و تکیه بر قدرت و مقام می‌شود.

جدول داده‌های مضمون فراگیر «عملکرد و رفتارها»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه های شناسایی شده	مأخذ	داده
عملکرد و رفتارها	عمل سوء	استمرار در عمل سوء سلطه و بهره‌مندی ظالمان	استمرار در عمل و کسب سوء، بهره‌مندی اولیاء طاغوت از یکدیگر تا مدت محدود، عمل سوء عامل سلطه و ولایت ظالمان، عمل سوء، گفتار نادرست نسبت به خدا، اقرار به بدترین انتخاب در عمل در امتحانات الهی با وجود معرفت	المطففین، ۱۴، الانعام ۱۲۸، الانعام ۱۲۹، النساء ۱۲۳، ال عمران ۱۰، دعای ۱۶	۸. بَلْ زَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، ۹. تَوَلَّىٰ بَعْضُ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، ۱۰. مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ ۱۱. وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً ۱۲. وَ أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي
عملکرد و رفتارها	مخالفت و سرپیچی از رسول	انشقاق و مخالفت با رسول و طریق مومنان، ترک کتاب و حدود آن، ترک سنت، سرپیچی و استنکاف نسبت به ولی	مخالفت و جدایی از پیامبر با وجود تبیین راه راست، تبعیت از راه غیر مومنان، تبعیت از رسول تبعیت از خداست ۲، غضب مقام و جایگاه اهل بیت، متروک ساختن سنن پیامبر، تبدیل و تغییر حکم، نابودی فرایض، ترک کتاب، استنکاف نسبت به ولی، سرپیچی از اوامر ولی دوست نداشتن نصیحت کنندگان، دوست نداشتن نصیحت، موعظه ناپذیری ۳	النساء ۱۱۵، النساء ۸۰، آل عمران ۳۲، دعای ۴۸، فراز ۹، النساء ۱۷۳، الاعراف ۷۹	۱۳. مَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ ۱۴. مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۱۵. قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا ... ۱۶. هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَايَك وَ أَصْفِيَايَك ... يَرْوُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابِكَ مُنْبُذًا، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتٍ أَشْرَاعِيكَ، وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً ۱۷. وَ أَنَا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَ اسْتَكْبَرُوا ۱۸. فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ ... لَا تَجِئُونَ النَّاصِحِينَ

<p>عملکرد و رفتارها</p>	<p>دوستی با کافران</p>	<p>دوستی با کافران، دوستی و یهود و نصاری،</p>	<p>اتخاذ دوستی غیر از خدا، اتخاذ دوستی و ولایت کفار به جای مومنان<sup>۲</sup>، پذیرش ولایت پدران و برادران در صورت کفر، ولایت و دوستی یهود و نصاری،</p>	<p>الشوری ۹، آل عمران ۲۸، التوبه ۲۳، المائده ۵۱، النسا ۱۴۴</p>	<p>۱۹. أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ ۲۰. لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ ۲۱. لَا يَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ ۲۲. لَا يَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ ۲۳. لَا يَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ</p>
<p>عملکرد و رفتارها</p>	<p>اشتغال به دنیا</p>	<p>اشتغال به دنیا و هموم آن</p>	<p>تبعیت از هوای نفس، مشغولیت به هموم مانع انجام فرایض و سنن<sup>۲</sup></p>	<p>الاعراف ۱۷۵، الاعراف ۱۷۶، دعای ۷</p>	<p>۲۴. فَاتَّبِعْهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ . ۲۵. وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ، ۲۶. وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْأَهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ.</p>
<p>عملکرد و رفتارها</p>	<p>تکیه بر قدرت و مقام</p>	<p>انکاء به مقام و جایگاه</p>	<p>تکیه بر مقام</p>	<p>الزاریات ۳۹</p>	<p>۲۷. فَقَوْلَىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ</p>
<p>عملکرد و رفتارها</p>	<p>فسق</p>	<p>نخوردن گوشت حرام فسق</p>	<p>نخوردن گوشتی که ذبح شرعی نشده فسق، استمرار در فسق، رویگردانی از خدا</p>	<p>الانعام ۱۲۱، الزخرف ۵۴، المائده ۸۱، الکهف ۵۰</p>	<p>۲۸. وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۲۹. فَانْتَحَفَ قَوْمُهُ فَأَطَاعُوهُ ۳۰. وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ، ۳۱. إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ</p>

سنت الهی است که در آخرت، هرکس با ولیی که در دنیا برگزیده است محشور می‌شود (قمی، ۱۳۸۸ ش، ۱: ۱۵۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۲: ۴۴۶) (النساء: ۱۱۵) «وَكذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الانعام: ۱۲۹) «ما این‌گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی‌گذاریم به سبب اعمالی که انجام می‌دادند.» آن‌ها به خاطر عملکرد خودشان به این تباهی‌ها رسیدند و خود این ولایت‌پذیری طاغوت نتیجه عملکرد آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۷: ۴۸۷).

امام سجاد (ع) برگزیدن عمل سوء در دو راهی مسیر ولایت خدا و ولایت طاغوت را عامل دوری از خدا و بنابراین بدترین اقدام شمرده است. «فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي، يَا إِلَهِي، بِرُشْدِهِ؟ ... وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي...» (دعای ۱۶، بند ۲۳) «پس ای خدای من کیست به صلاح خویش از من ... و برزشت کاری اقدام کننده تر از من؟...».

#### ۳-۴. فریب طاغوت

در بحث عوامل ولایت‌پذیری خدا، مضمون فراگیر لطف، فضل و یاری الهی عامل اصلی ورود به ولایت الله بود که دو مضمون باورمندی و عمل‌گرایی معطوف به آن بود. در مبحث عوامل ورود به ولایت طاغوت نیز مضمون فراگیر فریب طاغوت مضمونی است که با زینت‌بخشی و ایمنی‌بخشی از عذاب و استخفاف فکری در اندیشه و در نتیجه عمل انسان وارد شده و او را از ولایت الهی خارج می‌کند و ولایت‌مدار طاغوت می‌کند.

جدول شبکه مضمون فراگیر «فرب طاعت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مأخذ	داده
فرب طاعت	استخفاف فکری	استخفاف فکری	استخفاف فکری عامل اطاعت	الزخرف ۵۴	۳۲. فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ
	زینت بخشی باطل	زینت بخشی باطل مکروه جلوه دادن حق	گمراهی، آرزو، امر به خرافات، زینت بخشی باطل در قالب حق، سستی در معصیت، نیکو جلوه دادن بدی‌ها، ثقیل نشان دادن خوبی‌ها، انخداع،	النساء ۱۱۹، دعای ۳۷، دعای ۱۷، دعای ۴۴، دعای ۲۵	۳۳. وَ لَا ضَلَّتْهُمْ وَ لَا امْتَنَبَتْهُمْ وَ لَا امْرَأَتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَا امْرَأَتْهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۳۴. فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَحْتَدِرُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالًّا، ۳۵. أَنْ يَطْمِئِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِنَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ إِلَيْنَا ۳۶. وَ الْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ ۳۷. إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ بَطَلْنَا عَنْهُ،
	نامیدسازی	بدگمانی به خدا	سوء ظن، ضعف یقین کید و مکاره شیطان، طاعت شیطان در این امر	دعای ۳۲ فراز ۲۷	۳۸. قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ اليَقِينِ
القائه ایمنی از عذاب	القائه ایمنی از عذاب خدا و ترس از غیر	چیرگی شیطان بر انسان، سلطه شیطان بر انسان، غفلت، ایمنی بخشی از عذاب، ترساندن از غیر خدا	دعای ۲۵	۳۹. سَلَّطْتَهُ مِنِّي عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَ أَجْرِيَّتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَ لَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يَوْمُنَا عِقَابِكَ، وَ يَحْوِقُنَا بِغَيْرِكَ»:	



شیطان انسان را با اموری در مسیر ولایت طاغوت قرار می‌دهد (النساء: ۱۱۹): سرگرم کردن به پرستش غیر خدا، ارتکاب گناهان اشتغال به آمال و آرزوهای بازدارنده از زندگی و خالی از واقعیت، عقاید خرافی، حرام کردن حلال و تغییر در خلقت خدا. خداوند بعد از بیان این امور اطاعت کردن شیطان را در آنچه امر می‌کند مصداق ولایت‌پذیری او می‌داند.

امام سجاد (ع) این گمراهی را این‌چنین توصیف می‌کنند. «إِنَّ هَمَمَنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنَّ هَمَمَنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيُنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ ...» (دعای ۲۵، بند ۷) «چون آهنگ کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر کند؛ و چون قصد کار شایسته‌ای کنیم، ما را از آن باز دارد؛ ما را به شهوات جرات و گستاخی می‌دهد و بنای شبهه‌ها را برای ما برپا می‌کند».

در نظام طاغوت، مطیع کردن افراد و در نتیجه تحمیل ولایت خود بر اساس تحقیر آنان است و اطاعت کورکورانه به سبب کوتاه‌فکری و سطحی‌نگری و فقر فرهنگی افراد است (حسینی دولت‌آباد، عرب طاط، ۱۴۰۰، ش، ۳۰). آگاهی و بیدار شدن مردم دشمن آن‌هاست. این شیوه فرعونی است (مغنیه، ۱۴۲۵ق، ۶۵۳) (الزخرف: ۵۴). جامعه‌ای که از ولایت الهی خارج می‌شود، باور به خویش را از دست داده، خفت پذیر و فاسق می‌شود (قرائتی، ۱۳۷۴، ش، ۸: ۴۶۵). امروز طاغوت با وسایل مختلف ارتباط جمعی، مطبوعات و ... به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازد تا زمینه‌ساز اطاعت آن‌ها شود (طبرسی، ۱۳۷۴، ش، ۹: ۷۹، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ش، ۲۱: ۸۹).

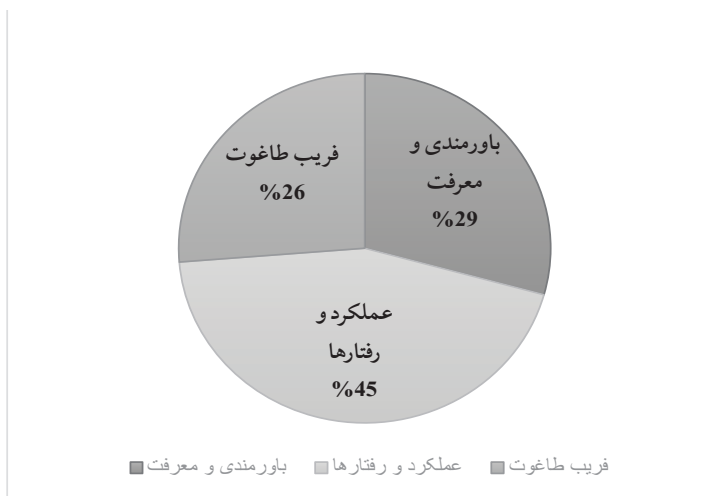
یکی از طرق فریب طاغوت جلوه‌دادن امور در لباسی زیبا و مورد توجه و قبول است «... وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الانعام: ۴۳): «... و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد». قدرت این زینت‌بخشی چنان است که امام سجاد ۷ در دعا بیان می‌کند که اگر این صورت دهی باطل در لباس و وجهی زیبا شکل نمی‌گرفت هرگز کسی نافرمانی خداوند را نمی‌کرد و از ولایت او خارج نمی‌شد. «فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ ... صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا صَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ صَالًّا» (دعای ۳۷، بند ۹) «بنابراین چنانچه شیطان ... باطل را در نظرشان مانند حق جلوه ندهد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نشود.»

شیطان به روش‌های مختلفی انسان را در برابر وعده‌های خود ایمنی می‌دهد. عده‌ای را به کرم و بخشش خداوند مغرور می‌سازد و نیز برخی را به امید توبه به ولایت خود دعوت می‌کند و به این طریق روح و فطرت او را نابود و خالی از ولایت الله می‌کند

(انصاریان، ۱۳۶۹ش، شرح دعای ۲۵، ۶)، «وَلَا يَغُرَّنْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (الفاطر: ۶) «مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد!» از یک سو فکر انسان را معطوف به حلم و عفو الهی می‌کند و از سوی دیگر از امتحانات و مکر الهی غافل می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۷: ۱۸، زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۰۰).

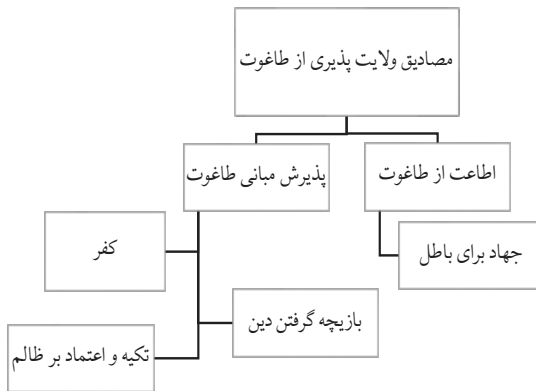
«... يَوْمِنَا عِقَابِكَ، وَيَخَوْفُنَا بِغَيْرِكَ» (دعای ۲۵، بند ۶) «... ما را از کیفر تو ایمن می‌کند، و از غیر تو می‌ترساند». در روایات و قرآن سوءظن به عنوان بدگمانی و منفی نگری از رذایل اخلاقی است که از آن نهی شده است و به خاطر اثرات بد آن گناه محسوب می‌شود و ناشی از ترس و ضعف نفس انسان است (راغب، ۱۴۱۲ق، ۳۲۷). امام سجاده (ع) سوءظن را قرین ضعف در یقین قرار می‌دهد. «قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ اليَقِينِ...» (دعای ۳۲، بند ۲۷) «شیطان عنان مرا گرفته، سوی ضعف یقین و بدگمانی می‌کشاند.»

#### نمودار ۱: فراوانی داده‌های عوامل ولایت‌پذیری از طاغوت



#### ۵. مصادیق ولایت‌پذیری از طاغوت

پس از روشن شدن عوامل ولایت طاغوت، موارد و مصادیق آن به جهت آشنایی با محققات و گواه‌های آن، برای دفع و دوری از آن مورد توجه است. این مصادیق شامل دو مضمون فراگیر پذیرش مبانی طاغوت و اطاعت از طاغوت است که در ادامه خواهد آمد.



### ۵-۱. پذیرش مبانی طاغوت

ولایت طاغوت دارای مبناهایی است که پذیرش آن‌ها انسان را در دایره ولایت طاغوت قرار می‌دهد. شامل مضامین سازمان‌دهنده کفر، تکیه و اعتماد بر ظالم، بازیچه گرفتن دین می‌شود.

#### جدول داده‌های مضمون فراگیر «پذیرش مبانی طاغوت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مأخذ	داده
پذیرش مبانی طاغوت	کفر	کفر	به خدایی گرفتن عباد و انبیاء غیر از خدا، کفر	الکھف، ۱۰۲ محمد ۱۱	۴۰. أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ ۴۱. وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ،
	اتکاء به ظالم	اتکاء به ظالم	اتکاء با انس و آرامش به ظالم	هود ۱۱۳	۴۲. وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
	بازیچه گرفتن دین	بازیچه گرفتن دین	دوستی با کسانی که دین را به مسخره و بازی می‌گیرند، اعم از کفار و یهود	المائده ۵۷	۴۳. لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا

کفر نسبت به حق و اصل ولایت و اوامر آن انسان را در زمره اولیاء طاغوت قرار می‌دهد. «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ...» (الکھف: ۱۰۲) «آیا کافران پنداشتند می‌توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند.» کفار فریفته زینت دنیا شده‌اند و امر را اشتباه کردند و گمان کردند که ولایت این آلهه برایشان کافی و نافع است و ضرر از آن‌ها دفع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۳: ۵۰۸).

اتکاء بر ظالم در جایی که سبب ضعف جامعه اسلامی و از بین رفتن استقلال، خودکفایی و وابستگی به آن‌ها می‌شود صحیح نیست. تکیه کردن به آن‌ها سبب تقویت ایشان و گسترش دامنه ظلم است (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۵: ۳۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۹: ۲۶۰) «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...» (هود: ۱۱۳) «بر ظالمان تکیه ننمایید.»

یکی از مصادیق ولایت طاغوت بازیچه گرفتن و استهزاء دین است یعنی با سخنان بی‌پایه‌ای دین را بی‌ارزش نشان می‌دهند. لعب نیز به کارهایی که بی‌هدف انجام می‌شود می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۳: ۳۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۴: ۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۶: ۳۷) «... لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا... أَوْلِيَاءَ...» (المائد: ۵۷) «... افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند ... ولی خود انتخاب نکنید.»

## ۵-۲. اطاعت از طاغوت

اطاعت از طاغوت مضمون فراگیر دیگری ذیل مصادیق است که شامل مضامین سازمان‌دهنده جهاد برای باطل می‌شود. اطاعت مهم‌ترین اصلی است که انسان را عبد مولا می‌گرداند. در مسیر ولایت طاغوت اطاعت از آن‌ها انسان را در زمره مشرکین قرار می‌دهد.

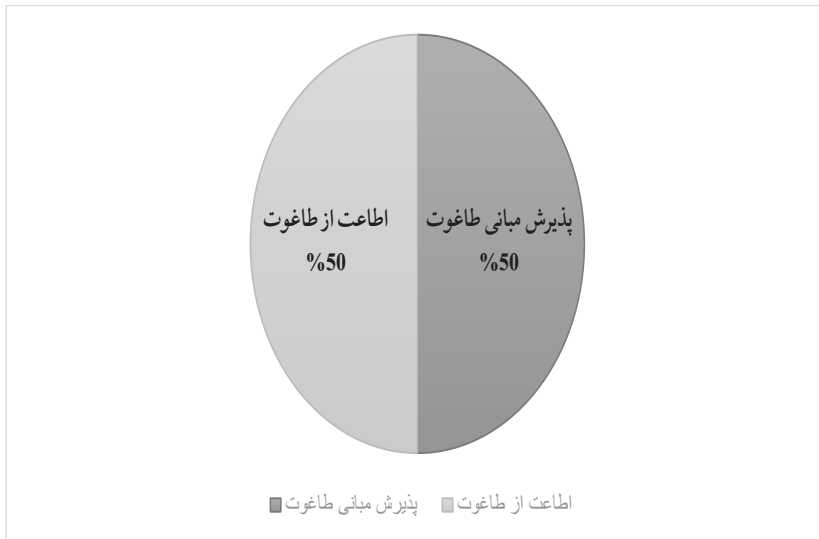
### جدول داده‌های مضمون فراگیر «اطاعت از طاغوت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مأخذ	داده
اطاعت از طاغوت	اطاعت	اطاعت	اطاعت از شیطان، انجام منہیات خدا مصداق اطاعت شیطان، اطاعت هرکس دون اطاعت خدا مصداق شرک،	الانعام ۱۲۱ الکھف ۱۰۲	۴۴. إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ، ۴۵. أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ
	جهاد برای باطل	جهاد برای طاغوت	مقاتله در راه طاغوت	النساء ۷۶	۴۶. الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ

خداوند اطاعت از اولیاء شیطان که همان طاغوت هستند را مصداق ولایت‌پذیری آن‌ها و فسق می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۴: ۵۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۵: ۴۲۳). «... وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (الانعام: ۱۲۱) «... و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود» (الاعراف: ۳).

کسانی که کافر شوند به جهت انتخاب طریق طاغوت از ولایت الهی خارج شده‌اند. ولی آن‌ها همان شیطان یا طاغوت است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۴: ۶۷۵) «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ...» (النساء: ۷۶) «... و آن‌ها که کافرند، در راه طاغوت جهاد می‌کنند پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید.» اولیاء طاغوت را همان یاران شیطان می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۵۳۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۴: ۱۳). تفاوت جهاد در راه خدا و جهاد در راه طاغوت، نیت آن‌هاست. به این طریق شرافت جهاد مؤمنان و ضعف جهاد کفار مشخص می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۴: ۶۷۵). این ضعف به جهت بی‌بصیرتی آن‌ها و شبهه در دین آن‌هاست درحالی‌که جهاد مؤمنان قاطعانه و با منطق صحیح است (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ۵: ۲۴۲، طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۵: ۵).

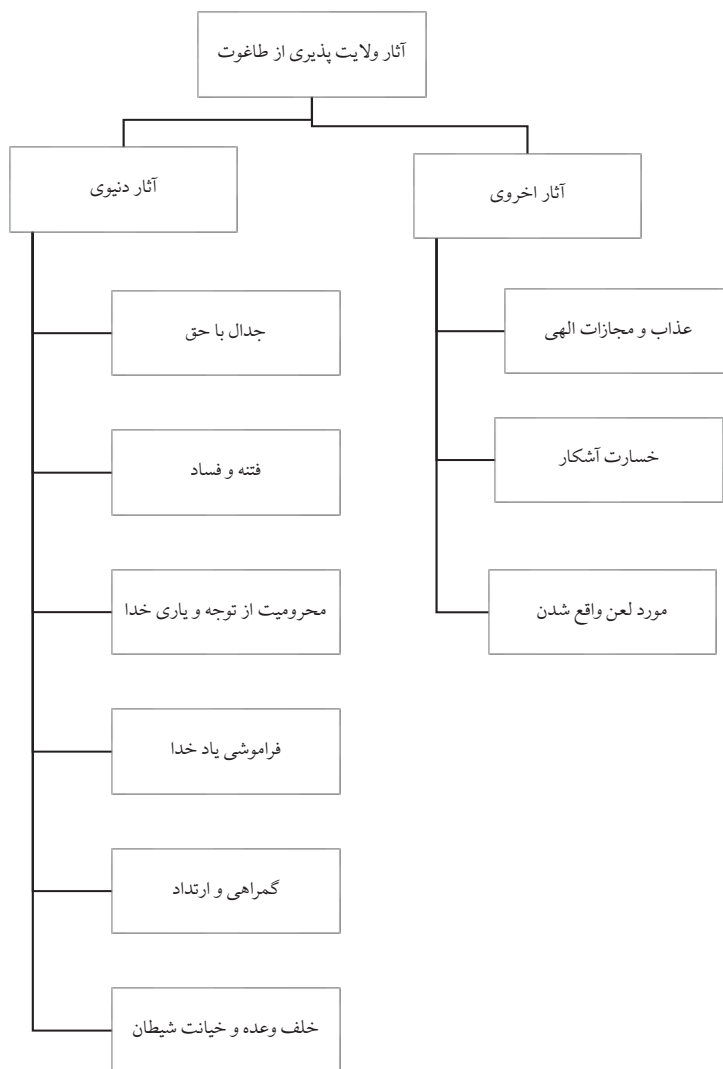
### نمودار فراوانی داده‌های مصادیق ولایت‌پذیری از طاغوت



## ۶. آثار ولایت‌پذیری از طاغوت

به همان میزان که ولایت‌مداری خداوند سبب رستگاری و خیر دنیا و آخرت انسان می‌شود، دوری از آن انسان را داخل در ولایت طاغوت می‌کند، سبب گمراهی و نگون‌بختی است و محرومیت از سعادت ابدی را در پی دارد. آثار گسترده آن را می‌توان به دو مضمون دنیوی و اخروی تقسیم‌بندی کرد.

### درختواره آثار ولایت‌پذیری طاغوت



## ۶-۱. آثار اخروی

آیت‌الله خامنه‌ای پس از بحث در مورد دو قسم ولایت، ولایت طاغوت را به‌عنوان هرچه غیر خداست معرفی می‌نماید و آثار آن را این‌طور بیان می‌کند که: اگر به سمت ولایت طاغوت و شیطان رفتی و او ریسمان خود را بر گردن تو افکند دیگر از او خلاص نخواهی شد و او تمام قوای تو را به خدمت خود می‌گیرد و به سمت اهداف شخصی خود پیش می‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش، جلسه ۲۷). آثار اخروی ولایت طاغوت شامل مضامین سازمان‌دهنده عذاب و مجازات الهی، خسارت آشکار و مورد لعن واقع شدن است.

### جدول داده‌های مضمون فراگیر «آثار اخروی ولایت‌پذیری از طاغوت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	داده
آثار اخروی	عذاب و مجازات الهی	جهنم	عذاب الیم ۲، عذاب مضاعف، نوشیدنی از آتش، آتش، جاویدان در آتش، جایگاه بد، نزول جهنم، دگرگونی‌های عذاب الهی، زمان طولانی و دراز، دور بودن فرج و گشایش، ناامیدی از نجات از آتش،	النساء ،۱۷۳ هود ۲۰، الانعام ،۷۰ الاحزاب ،۶۴ الانعام ،۱۲۸ النساء ،۱۱۵ الکهف ،۱۰۲ الحج ،۴ دعای ۴۶ فراز ۲۰	۴۷. فَعَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۴۸. ... يضاعف لهم العذاب ۴۹. لهم شراب من حميم وعذاب أليم ۵۰. الله لعن الكافرين وأعد لهم سعيراً، ۵۱. قال الثور مثواكم خالدین فيها ۵۲. ... نوله ما تولى و نضله جهنم و ساعت مصيراً، ۵۳. إنا أعتدنا جهنم للكافرين نزلاً، ۵۴. فانه يضله ويهديه إلى عذاب السعير ۵۵. ما أكثر تصرفه في عذابك، و ما أطول تردده في عقابك، و ما أبعد غايته من الفرج، و ما أقنطه من سهولة المخرج،
			خسارت در عمر، خسران ابدی، خسران آشکار، از بین رفتن ولایت طاغوت،	النساء ،۱۱۹ هود ۲۱	۵۶. فَقَدْ خسر خسراً مبیناً، ۵۷. أولئك الذين خسروا أنفسهم
			لعن امام مورد لعن واقع شدن	لعن امام	لعن امام بر تبعیت‌کنندگان دوری طاغوت، از رحمت خدا،

نتیجه خودداری از اطاعت خدا همراه با کبر ابتدا خروج از ولایت و نصرت الهی و سپس دچار شدن به عذاب دردناک الهی در آخرت است (النساء: ۱۷۳)، «... يضاعفُ لَهُمُ الْعَذَابُ...» (هود: ۲۰) «...عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود». این دو چندان شدن به دلیل فسق آنهاست و این که بر این فسق لجاجت ورزیدند و دیگران را به این راه کشاندند. امام سجاد (ع) در مورد جاودانگی در آتش می‌فرماید: «مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكِ، وَمَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكِ» (دعای ۴۶، بند ۲۰) «در عذاب تو بسیار ماند و عقاب تو بر وی دراز گردد».

از آثاری که برای اتخاذ ولایت شیطان بیان می‌کند خسران آشکار است. خسرانی که قابل ترمیم نیست و ضرری است که شیطان بر پایه سعادت انسان می‌زند (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۱۳۸) «... وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (النساء: ۱۱۹) «...و هرکس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.» در آیه: «...خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ...» (هود: ۲۱) «... سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند...» نیز اثر ولایت‌پذیری طاغوت را خسارت به جان می‌داند که گذران عمر و باختن انسانیت است و قابل جبران نیست (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۷: ۱۸۷؛ قرآنی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۴۲).

از آثار شوم پذیرش ولایت طاغوت، مستوجب لعنت خدا، ملائکه و همه انسان‌ها شدن است. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَفَارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (البقره: ۱۶۱) «کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آن‌ها خواهد بود!» «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ» (دعای ۴۸، بند ۱۰) «خدایا! دشمنان‌شان را از اولین و آخرین و هر که به کردارشان راضی شد و طرفداران و پیروانشان را لعنت کن».

## ۲-۶. آثار دنیوی

ولایت طاغوت علاوه بر آثار و نتیجه اخروی شامل آثاری در این دنیا نیز می‌شود و اساساً آثار اخروی آن، باطن و حقیقت آثاری است که در این دنیا به همراه دارد و دامنگیر فرد می‌شود. وادی ولایت الهی سراسر ایمنی و سلامت است و مسیر ولایت شیطان همراه با سختی و عذاب است که به علت دور شدن از ولایت حقیقی و مخالف فطرت، انسان را دچار بلاهای گوناگون می‌کند. البته این امر منافاتی با امتحان‌های الهی ندارد



که برای مؤمنین ایجاد می‌شود. مضامین جدال با حق، فتنه و فساد، خروج از نور به سوی ظلمت، محرومیت از توجه و یاری خدا، فراموشی یاد خدا، گمراهی و ارتداد و خلف وعده و خیانت شیطان از آثار ولایت طاغوت برشمرده شده است.

### جدول داده‌های مضمون فراگیر «آثار دنیوی ولایت‌پذیری از طاغوت»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مأخذ	داده
آثار دنیوی	جدال با حق	مجادله با حق	مجادله با حق الهام شیاطین است، تبعیت در این امر مصدق شرک	الانعام ۱۲۱	۵۹. وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ <sup>ط</sup>
آثار دنیوی	فتنه و فساد	فتنه و فساد	نتیجه دوستی طاغوتیان با یکدیگر پیدایش فتنه و فساد در زمین است.	الانفال ۷۳	۶۰. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ ۖ فَسَادٌ كَبِيرٌ
آثار دنیوی	فراموشی یاد خدا	فراموشی یاد خدا	فراموشی یاد خدا، فقر فکری	الفرقان ۱۸	۶۱. ... أَنْ تَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَآءَ ۖ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا
آثار دنیوی	محرومیت از توجه و یاری خدا	محرومیت از یاری خدا	عدم بهره‌مندی از ولایت و نصرت خدا، خروج و گمراهی از مسیر ولایت خدا، انحصار یاری رسانی در خدا، محرومیت از هدایت خدا	الشوری ۴۶، الاعراف ۱۹۷، المائدة ۵۴	۶۲. وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَآءَ يُنصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ <sup>ط</sup> وَمَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ، ۶۳. وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ۶۴. ... بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ <sup>ط</sup>

آثار دنیوی	خلف وعده و خیانت طاغوت	خیانت خلف وعده	دشمنی شیطان، پشت کردن شیطان به انسان، و گریختن، تنها گذاشتن در غضب خدا، خیانت، بیزاری جستن شیطان از انسان، رساندن انسان به انتقام خدا، ضرررسانی آن بیشتر از نفع آن، شادی شیطان،	الکھف ،۵۰ الحج ،۱۳ دعای ،۳۲ دعای ۱۰	۶۵. فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۶۶. يَدْعُوا لِمَنْ صَبَّهٗ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ۶۷. وَادَّبَرُ مَوْلِيَا عَنِّي، فَأَصْحَبْنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا، وَأَخْرَجْنِي إِلَىٰ فِتْنَاءِ نَقِمَتِكَ طَرِيد ۶۸. إِذْ شَايَعَنَاهُ عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ
آثار دنیوی	گمراهی و ارتداد	گمراهی و ارتداد خروج از هدایت به ضلالت	بازگشت به گمراهی، گمراهی خارج شدن از نور و هدایت به سوی گمراهی و ضلالت	البقره ،۲۵۷ آل عمران ،۱۴۹ الاحقاف ۳۲	۶۹. إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۷۰. وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

جدال با حق یکی از آثاری است که در اثر وسوسه شیاطین به اولیایش به وجود می‌آید. اتخاذ ولایت شیاطین انسان را به جدال با حق و اولیاء الله وامی‌دارد: «... وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيَجَادِلُوكُمْ...» (الانعام: ۱۲۱) «... و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند...».

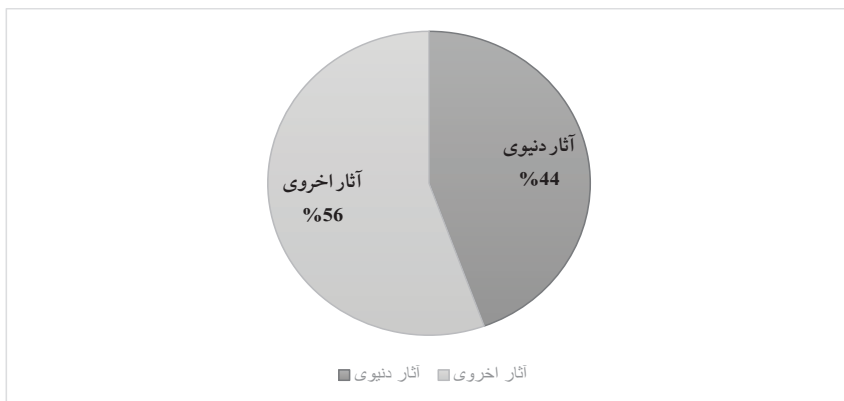
پیوند و دوستی کفار با خودشان است و مؤمنان حق ندارند با آنها پیوند دوستی برقرار کنند و اثر مترتب بر آن، فتنه و فساد عظیمی است که در محیط جامعه به وجود می‌آید. بنابراین پیروزی انسان را کم‌رنگ کرده و دسیسه‌های دشمن در جامعه اثرگذار و نقشه‌های آن‌ها عملی می‌شود (الانفال: ۷۳) (طبرسی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۸۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۷: ۲۵۸؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۶: ۱۶۹؛ قرائتی، ۱۳۷۴ش، ۳: ۳۶۶).

یکی از آثاری که ولایت طاغوت به دنبال دارد واگذاری انسان به خود و دور شدن از حمایت‌های خاص و توجه الهی است (الانعام: ۷۰). خداوند آن‌ها را خارج شده از ولایت و شفاعت خود می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۴ش، ۴: ۴۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۵: ۲۹۳). «وَلَا تَخَلِّ فِي ذَٰلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اٰخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ» (دعای ۹، بند ۴) «ما را به خود و اختیار خود وامگذار که

نفس ما باطل را بر می‌گزیند مگر تو توفیق دهی و به بدی امر می‌کند مگر تو رحمت آری». نسیان اثری است که به تدریج با طی مسیر طاغوت بر انسان غالب می‌شود و به طور کلی حجاب بر بینایی انسان می‌افکند و او را نسبت به ولایت الهی نابینا می‌کند. در آیه: «... حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا» (الفرقان: ۱۸) «... یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۵: ۱۹۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۱۵: ۴۴). آیه ۱۳۰ سوره اعراف علت ضلالت و خسران را به جهت ولایت‌پذیری شیطان معرفی می‌کند. همین‌طور در آیه: «كَتَبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ» (الحج: ۴) «بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می‌سازد، و به آتش سوزان راهنماییش می‌کند.» این مطلب بیان‌شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۸: ۹۵؛ همان، ۴: ۴۳؛ قرآنی، ۱۳۷۴ ش، ۱: ۶۲۵؛ آل‌عمران: ۱۴۹-۱۵۰). خداوند نتیجه ولایت‌پذیری طاغوت را خروج از نور به سوی ظلمت می‌داند. نوری که حقیقت فطرت آن‌ها بوده است و آن‌ها از مسیر هدایت و صراط مستقیم و ولایت مطلق خداوند منحرف شدند و به این طریق از نور حقیقی وجودشان که وابسته به نور خداوند بوده است فاصله گرفتند (البقره: ۲۵۷).

عقلانه نیست انسان شخصی را که از ابتدا دشمنی با او را آغاز کرده است، به‌عنوان رهبر و راهنما برگزیند و تکیه‌گاه و دوست گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۳: ۴۵۳) (الکهف: ۵۰؛ ابراهیم: ۲۲) «وَ أَذْبَرَ مُؤَلِّيَا عَنِّي، فَأُضْحَرَنِي لِعَضْبِكَ فَرِيدَا...» (دعای ۳۲، بند ۱۳) «به خیانت روی از من در پیچید و در روی من به ناسپاسی سخن گفت و از من بی‌زاری جست و پشت کرده بگریخت و مرا با خشم تو تنها گذاشت».

### نمودار فراوانی داده‌های آثار ولایت‌پذیری از طاغوت



## ۷. نتیجه‌گیری

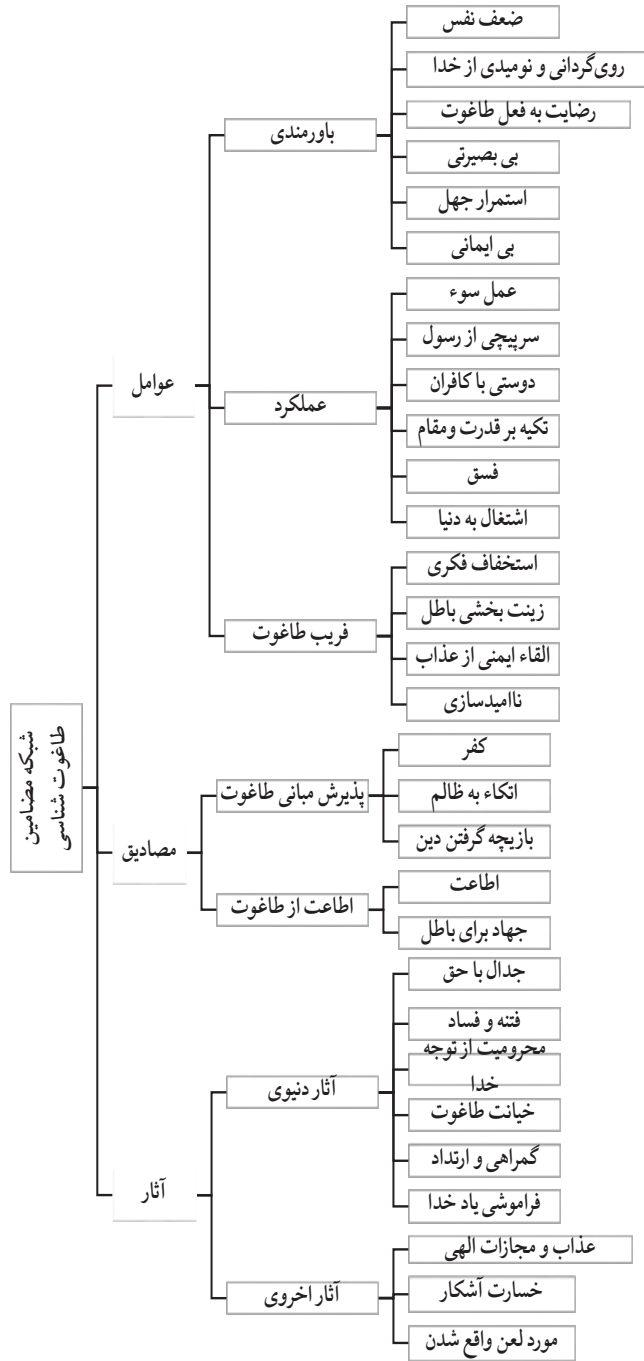
آنچه در بررسی مضامین عوامل، مصادیق و آثار ولایت‌پذیری طاغوت مشخص شد:

۱- مضمون معرفت و باور شخص اهمیت بسیاری در پذیرش ولایت طاغوت داراست. انسانی با معرفت اندک، گرفتار بی‌ایمانی است؛ لذا بی‌بصیرتی و استمرار جهل او سبب تأیید و رضایت به فعل طاغوت است، در نتیجه جزئی از آن‌ها می‌شود. آن‌جاست که او با سوءظن به خدا دچار روی‌گردانی از پروردگار و ناامیدی از رحمت او می‌شود و ضعف نفسش او را در این امر یاری می‌کند.

۲- در گستره عمل، فرد با مخالفت با رسول و موعظه‌ناپذیری دچار فسق و خروج از مدار الهی می‌شود. ولایت کفار و یهود را در دوستی و همراهی برمی‌گزیند و با تکیه و اعتماد بر قدرت و مقام و منصب بر دوری خود از ولایت الله می‌افزاید. حرام‌خواری و اشتغال به دنیا از دیگر عواملی است که پذیرش این ولایت را تقویت می‌کند.

۳- اولیاء طاغوت با استخفاف فکری، زینت‌بخشی و القاء ایمنی از عذاب سبب گمراهی انسان می‌شوند شخصی که در ولایت طاغوت قرار دارد طبعاً مبانی فکری آن‌ها را پذیرفته‌است، به آن‌ها اعتماد کرده و با اطاعت از آن‌ها و بازیچه گرفتن دین کافر شده‌است. تا جایی که در این راه به جهاد می‌پردازد.

۴- پذیرش ولایت طاغوت علاوه بر عذاب و مجازات الهی، خسارت و لعن، آثار دنیوی نیز به دنبال دارد. ولایت‌پذیر طاغوت در مواجهه با حق به جدال می‌پردازد و سبب فتنه و فساد در زمین است. از نور خداوند به ظلمت گراییده و از توجه و یاد خداوند محروم است. لذا خداوند را فراموش کرده و به گمراهی و ارتداد رسیده است. اولیاء طاغوت و شیطان نیز او را تنها رها می‌کنند، به حال خود وا گذاشته و در همراهی با او خیانت می‌کنند.



## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۵ ق.
- ابن سیده مرسى، على بن اسماعيل، المحكم والمحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دار الفكر، لبنان- بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
- انصاریان، حسین، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۹ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
- حسینی دولت آباد، بی بی حکیمه، و اکرم عرب طاط. "تحلیل روشهای فرعون در مدیریت ذهن خویش در قرآن کریم". اسلام و مطالعات اجتماعی ۹، ۲ (۱۴۰۰ ش): ۱۲۳-۱۵۲. doi:10.22081/JISS.2021.60039.1763
- خامنه ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی، ۱۳۹۲ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القلم، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- زحیلی، وهبه، التفسیر الوسیط (زحیلی)، سوریه، دارالفکر، ۱۴۲۲ ق.
- زمخشری، محمود، الکشاف من حقائق غوائص التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ستوده نیا، محمدرضا، و زهرا محققیان. "بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه". پژوهش های زبان شناختی قرآن ۵، ۱ (۱۳۹۵ ش): ۲۱-۳۶. doi:10.22108/NRGS.2016.20529
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات. ۱۳۷۴ ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ ق.
- طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضت مصر، ۱۹۹۷ م.
- عابدی جعفری، حسن، محمد سعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی، و محمد شیخ زاده. "تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی". اندیشه مدیریت راهبردی ۵، ۲ (۱۳۹۰ ش): ۱۵۱-۱۹۸، ۱۳۹۰ ش. doi:10.30497/smt.2011.163
- علی بن حسین (ع)، صحیفه سجادیه، ترجمه استاد حسین انصاریان، تهران، آیین دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ ش.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- قزاقی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۴ ش.
- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه موسوی دامغانی، تهران، فاطمه الزهرا، چاپ ۳۴، ۱۳۸۸ ش.
- مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- مدنی، علیخان بن احمد، علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین صلوات الله علیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- مصطفائی، محمد، بتول گرابلی، و فرزاد دهقانی. "تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه ای امام حسین (ع)". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۱۹ (۱۴۰۲ ش): ۱۸۵-۲۰۸. doi:10.30479/mfh.2023.18381.2222
- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.

مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.  
\_\_\_\_\_، التفسیر المبین، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۵ق.  
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.

Boyatzis, R. E, *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, 1998  
Braun, V. & Clarke, V. "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 2006 , Vol. 3, No.  
King & Horrocks, *Interviews in qualitative research*, London: 2010  
Ryan, G. W. & Bernard, H. R., "Data Management and Analysis Methods", In Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), *Handbook of qualitative research*, Thousand Oaks, CA, 2000, pp 769-802.